

# کتابت لدی الوجه حاضر آنچه مسطور مذکور آمد و شنیده شد ...

حضرت بهاء الله

نسخه اصل فارسی



از الواح حضرت بهاء الله - بر اساس نسخه موجود در "کتابخانه آثار بهائی" در مرکز جهانی بهائی  
- شماره ۶۸۹

جناب زین علیه بهاء الله

## بنام دوست بی نام

کتابت لدی الوجه حاضر آنچه مسطور مذکور آمد و شنیده شد انشاء الله همیشه ایام بذکر مالک انام مشغول باشید و آنچه سؤال شده بود از آیه منزله در هیکل که بملوک خطاب شده صحیح همان است که نازل شد کلمهئی ترک نشده حرکت قلم اعلی در میادین الواح باطوار مختلفه مشاهده میشود در مقامی مطلب بایجاز نازل این بیان موسوم است بسهل ممتنع و در مقامی جمع مابین مقامین لذا در سوره ملوک آیات مذکوره باختصار ذکر شده و این افصح است اذا قیل بأی جرم حبسوه قالوا انهم ارادوا ان یجددوا الدین که معنی آن این است اگر گفته شود بچه جرم و عصیان نیز امکان را حبس نموده اید گویند این قوم اراده نموده اند که دین را تجدید نمایند از مصدر اعلی جواب نازل اگر قدیم را اختیار نموده اید و او است پسندیده نزد شما چرا شرایع قبل را ترک نمودید در اول این آیه قل مقدر است که چنین میشود قل لو کان القدیم هو المختار الی آخر و چون از بیان رحمن معنی قل مفهوم میشود لذا ذکر نشد و این مقام ظهور کمال فصاحت است باری این آیه ترک نداشته و صحیح است و آنچه در آیه اخری مذکور داشتید قوله تعالی اطلع من افق الانقطاع بوده

و اینکه از آیه منزله در لوح پاپا سؤال نمودید این عبارات تلویحات کلمات ابن است که ذکر شده در مقامی میفرماید و اقول لكم ان کثیرین سیأتون من المشارق و المغرب و یتکئون مع ابرهیم و اسحق و یعقوب فی ملکوت السموات و اما بنو الملکوت فیطرحون الی الظلمة الخارجیة هناك یتکئون البکاء و صریر الأسنان و در مقام دیگر مذکور ان النور قد جاء الی العالم و احب الناس الظلمة اکثر من النور لأن اعمالهم كانت شريرة لأن کل من یعمل السيئات یتغص النور و لا یأتی الی النور لئلا توتج اعماله و اما من یفعل الحق فیقبل الی النور لکی تظهر اعماله انھا بالله معمولة انتهى از دو فقره مذکوره تلویح بیان مالک اسماء در آیه منزله معلوم میشود بعضی بیانات در بعضی از الواح راجع است بکتب قبل و ما سطر فیها در این ایام مخصوص از برای ملت زردشت الواحی نازل و آنچه در کتب ایشان تا امروز مستور بود مذکور آمد و لکن تا ما عندهم معلوم نشود احدی بر تلویحات کلمات منزل آیات مطلع نخواهد شد



ORIGINAL

و اما ما سألت من الأرواح و اطلاع بعضها على بعض بعد صعودها فاعلم ان اهل البهائم الذين استقرّوا على السفينة الحمراء اولئك يعاشرون و يؤانسون و يجالسون و يطیرون و یقصدون و یصعدون کأنهم نفس واحدة الا أنهم هم المطلعون و هم الناظرون و هم العارفون كذلك قضی الأمر من لدن علیم حکیم اهل بهائم که در سفینه الهیه ساکنند کل از احوال یکدیگر مطلع و با هم مأنوس و مصاحب و معاشر این مقام منوط بایقان و اعمال نفوس است نفوسی که در یک درجه واقفند مطلعند از کمیات و کیفیات و درایج و مقامات یکدیگر و نفوسی که در تحت این نفوس واقفند کما هو حقّه بر مراتب و مقامات نفوس عالیّه از خود اطلاع نیابند لکن نصیب عند ربّک طوبی لنفس توجّه الى الله و استقام فی حبه الى ان طار روحه الى الله الملك المقتدر الغفور الرحيم و اما ارواح کفار لعمری حین الاحتضار یعرفون ما فات عنهم و ینوحون و یتضرّعون و كذلك بعد خروج ارواحهم من ابدانهم این بسی معلوم و واضح است که کل بعد از موت مطلع بافعال و اعمال خود خواهند شد قسم بآفتاب افق اقتدار که اهل حقّ را در آن حین فرحی دست دهد که ذکر آن ممکن نه و هم چنین اصحاب ضلال را خوف و اضطراب و وحشتی رو نماید که فوق آن متصور نه نیکوست حال نفسی که رحیق لطیف باقی ایمان را از ید عنایت و الطاف مالک ادیان گرفت و آشامید

چون از قبل وعده جواب شد لذا این مختصر در حینی که ضوضاء مفترین مرتفع است و صیاح غافلین صوت و صییت رعد را منع نموده نازل و ارسال شد الیوم باید احبای الهی ناظر بظهور و ما یظهر منه باشند بعضی روایات قبلیه اصلی نداشته و ندارد و آنچه هم ملل قبل ادراک کرده اند و در کتب ذکر نموده اند اکثر آن بهوای نفس بوده چنانچه مشاهده نموده اید که آنچه در دست ناس موجود است از معانی و تأویلات کلمات الهیه اکثری بغیر حقّ بوده چنانچه بعد از خرق حجاب بعضی معلوم و واضح شد و تصدیق نمودند که کلمهئی از کلمات الهیه را ادراک نموده بودند مقصود آنکه اگر احبای الهی قلب و سمع را از آنچه از قبل شنیده اند طاهر نمایند و بتمام توجّه بمطلع امر و ما ظهر من عنده ناظر شوند عندالله احبّ بوده مع این بلایای وارده و قضایای نازله قلم اعلی دوست نداشته و ندارد الا ما ینطق بالحقّ انه لا اله الا انا المهيمن القيوم چه که نفعه این کلمه مانع است از ورود احزان و لکن اگر بتأویلات کلمات قبل مشغول شود معین بر احزان خواهد بود تا بعد خدا چه خواهد و وقت چه اقتضا نماید حال باین قدر اکتفا رفت احمد و کن من الشاکرین کبر من قبلی احبائی الذين اختصهم الله لحبه و جعلهم من الفائزين والحمد لله رب العالمين